

عبدالرفیع حقیقت ( رفیع )

## عامل مهم بقای ملیت ایرانی و وظیفه خطیر دولتها

در پاسداری از آن

( ۲ )

تحقیقی پیرامون نوروز و مهرگان

ازیک طرف میبینیم که درعهد بسیارکهن، سالازاول تابستان(انقلاب صیفی) و باماه تیرآغاز میشده ودلیل آن لغت (مذیابیری) است که اسم گاهنبار پنجم آتش گاهنبار سال است. این جشن درحوالی انقلاب شتوی برپامیشده و معنی لغوی آن (نیمه سال) است. ازبیان بندهشن پهلوی چنین برمیآید که (مذیابیری) دراصل در حوالی انقلاب شتوی (اول جدی) و بنابراین اول سال درحوالی انقلاب صیفی (اول سرطان) و مطابق (میدیری شم) بوده است (۱) از سوی دیگردر میابیم که درزمانی سال بااول تابستان شروع میشده ولی نه با تیرماه بلکه با فروردین ماه . ابویحان بیرونی اول سال ایرانیان را در فروردین و در انقلاب صیفی میدانند و اعیاد خوارزمی نیز مؤید این مدعا است.

مسهودی در التنبیه والاشراف گوید: آغاز سال ایرانیان در اول تابستان و مهرگان در آغاز فصل زمستان بوده است در نوروز نامه منسوب به خیام آمده (۱):

(فروردین آن روز ۳۰ سال گذشته از پادشاهی گشتاسب که زرتشت بیرون آمد آفتاب به اول سرطان قرار کرد و جشن کرد) و در کتاب التاج منسوب به جاحظ آمده (۲)

(نوروز و مهرگان دو فصل سال هستند مهرگان دخول زمستان و فصل سرماست و نوروز اذن دخول فصل گرماست) قوانینی در دست است که میرساند این جشن در عهد قدیم یعنی بهنگام تدوین بخش کهن اوستا نیز در برج حمل یعنی اول بهار برپا میشده و شاید بنحوی که اکنون بر ما معلوم نیست آنرا در اول برج مزبور ثابت نگاه میداشتند چنانکه از تواریخ بصری آید در عهد ساسانیان نوروز یعنی روز اول سال ایرانی و نخستین روز فروردین ماه در اول فصل بهار نبود بلکه مانند عید فطر و عید اضحی در میان مسلمانان آنهم در فصول می گشت (منتهی نه بدان سرعت که اعیاد عربی می کردند) در سال یازدهم هجرت که مبدأ تاریخ یزدگردی و مصادف با جلوس یزدگرد پسر شهریار آخرین شاهنشاه ساسانی است نوروز در شانزدهم جزیران رومی (ژولین فرنگی) یعنی نزدیک به اول تابستان بود و از آن تاریخ باین طرف بتدریج هر چهار سال یک روز عقب تر ماند تا در حدود سال ۳۹۲ هجری قمری نوروز با اول حمل رسید، در سال ۴۶۷ هجری نوروز در ۲۳ برج حوت یعنی ۱۷ روز بیابان زمستان مانده واقع بود، در این هنگام طبق دستور جلال الدین ملک شاه سلجوقی (۴۸۵ - ۴۶۵ هـ) توسط عده ای از دانشمندان ریاضی دان که در رأس آنان حکیم عمر خیام نیشابوری قرار داشت ترتیب تقویم جدید جلالی داده شد و نوروز را در روز اول بهار که موقع نجومی تحویل آفتاب ببرج حمل است قرار داده ثابت نگاه داشتند بدین طریق: که قرار شد در هر چهار سال یکبار سال را ۳۶۶ روز محسوب دارند و پس از تکرار این عمل هفت بار یعنی پس از هفت مرتبه چهار سال (یا ۲۸ سال) بار هشتم بجای اینکه سال چهارم را ۳۶۶ روز حساب کنند با سال پنجم یعنی (در واقع با سال سی و سوم از آغاز عمل) این معامله را بکنند و بدین ترتیب

۱- نوروز نامه بتصحیح استاد مینوی صفحه ۱۱

۲- چاپ قاهره ۱۳۳۲ صفحه ۱۴۶

روی هم رفته سال جلالی نزدیکترین سالهای دنیا بسال شمسی حقیقی که ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۶ ثانیه است میباشد. (۱)

### دل بستگی عجیب ایرانیان با آئین نیاکان خود

ایرانیان در پایان دوره ساسانیان از بیداد رؤسای مذهبی و اختلافات طبقاتی که بر جامعه ایرانی آن زمان حکم فرما بود رنج میبردند و بهمین جهت در همکاری با یزدگرد سوم در امر مقابله با تازیان هیچگونه اقدام قطعی بعمل نیاوردند و سرانجام حکومت ساسانی منقرض شد و کشور ایران میدان تاخت و تاز اعراب صحرا گردودور از تمدن و فرهنگ گریخت.

بطوری که مورخان قرون اولیه اسلام نوشته اند سرانجام مردم ایالات و ولایات ایران در مقابل هجوم وحشیانه تازیان تسلیم شدند ولی با پرداخت جزیه برقراری آئین و سنت دیرین خود را محفوظ داشتند تنها شهری که در اولین وهله از پرداخت جزیه مقرر که همه شهرهای ایران برای حفظ سنن باستانی خود بآن تن در داده بودند خودداری نموده و بمنظور عدم پرداخت مبلغ مذکور آئین تازیان را قبول کردند مردم قزوین بودند. (۱)

ولی انجام تعهدات سنگینی که تازیان تحت عنوان جزیه و مالیات سرانه برای مردم شهرها و ولایات ایران مقرر داشته بودند عملی نبود، بهمین جهت ناگزیر ایرانیان بمرور حاضر به قبول مقررات اسلام شدند ولی در باطن به آئین نیاکان خود عشق میورزیدند همین علاقه باطنی ایرانیان سبب بزرگ نهضت های فکری و جنبش های سری در ایران بعد از اسلام گردید که ثمره ارزنده آن حفظ استقلال سیاسی و اجتماعی و فکری مردم این سرزمین در ادوار پرنشیب و فراز تاریخ است که با کوششهای پی گیر ملی تاکنون حفظ شده است. (۲)

۱- مجله کاوه دوره جدید سال ۲ شماره ۴

۲- فتوح البلدان تألیف احمد بن یحیی البلاذری ترجمه دکتر آذرنوش

## نوروز در حکومت امویان

در دوره ساسانیان معمول بود که ایرانیان گذشته از خراج نقدی و جنسی سالیانه، در موقع جشن نوروز و مهرگان نیز از نواحی مختلف ایران هدایا و پیشکش‌هایی برای شاهنشاه ایران پیاپی تخت می‌فرستادند و این کار را شکون می‌دانستند، چون پادشاه ایران از نژاد مردم کشور بود در فرستادن این هدایا احساسات ملی مردم نیز دخالت داشت این رسم از زمان‌های قدیم در ایران مانده بود چنان که در سنگ تراشی‌های دوره هخامنشیان و مخصوصاً در کاخ تخت جمشید تصویر نماینده هر ملت و نژادی که هدیه‌ای با خود دارد دیده می‌شود.

هنگامی که تازیان بر ایران دست یافتند از برقراری این رسم ملی در بین ایرانیان سوءاستفاده نموده و این رسم هدایا را نیز جزو خراج سالیانه و وسیله بهره‌جویی از مردم ایران کردند و مردم هر ناحیه‌ای را بزور واداشتند که در سال مقداری هدایای نوروز و مهرگان که گاهی بسیار گزاف و بهمان اندازه خراج سالانه بود بدهند، شگفت‌تر اینکه خلفای اموی و بعد عباسی از احساسات ملی مردم ایران که همانا برقراری آداب و رسوم و سنن باستانی‌هاکان آنان باشد سوء استفاده نموده و این بیگانگان از جشن‌های ملی ایران و آئین باستانی مردم این کشور که بهیچوجه پیوستگی با ملیت عرب نداشت از این راه سود می‌بردند و این کار را نیز وسیله بهره‌جویی از ایران قرار داده بودند و مردم ایران نیز بمنظور عدم جلوگیری از برقراری جشنهای مذکور در پرداخت مبالغ تعیین شده اقدام مینمودند.

ابوبکر محمد بن یحیی صولی ادیب معروف ایرانی درباره سواد یعنی سرزمین عراق که در آن زمان از موصل تا عبادان بود نوشته است: (۱)  
(در زمان معاویه خراج آن به پنجاه هزار هزار دینار و هدایای نوروز و مهرگان به پنجاه هزار هزار رسید، سپس در قندهار ابن‌الزبیر خراج آن به شصت هزار و هدایای نوروز و مهرگان نزدیک به بیست هزار هزار بود و چون حجاج به

حکمرانی رسید. چهل هزار هزار شد...)  
 نخستین کسی که هدایای نوروز و مهرگان را برقرار کرد ولید بن-  
 عقبه بن ابومعیط و پس از او سمد بن العاص بود و مردم به عثمان شکوه بردند وی باو  
 نوشت و از این کار وی را نهی کرد و پس از آن در زمان عمر بن عبدالعزیز خراج بعد از  
 هدیبه نوروز به شصت هزار هزار رسید. (۱)

### جشن نوروز در دوره عباسیان

برمکیان که از خاندان اصیل و نجیب ایرانی هستند و در اوائل دوره  
 خلافت عباسیان نفوذ زیادی در دستگاه خلافت داشتند طبعاً نفوذ خود را بنفع  
 هموطنان خود بکار میبردند، لکن ناگزیر مراقب بودند که پر آشکار از نظامات  
 و سنن ایرانی جانبداری نکنند تا مبادا مورد سوء ظن واقع شوند (هر چند واقع  
 شدند) برای نمونه موضوع زیر که حاکی از حزم و احتیاط برمکیان می باشد  
 نقل میشود :

هنگامی که خلیفه المنصور بغداد پایتخت جدید خود را میساخت --  
 ابویوب الموریانی چنین مصلحت اندیشی کرد که کاخ ساسانی معروف به ایوان  
 کسری را ویران سازد و مصالح آنرا در ساختمان های جدید خود مصرف نماید  
 خلیفه از خالد بن برمک استشاره کرده خالد پاسخ داد: (ای امیر المومنین چنین  
 کاری نکن (فانه آیه الاسلام) این قصر به تحقیق علامت فتح و پیروزی اسلام است  
 زیرا چون خلق خدا ایوان کسری را نظاره کنند متوجه شوند که چنین بقائی تنها  
 بفرمان خدا ویران شود دیگر اینکه نماز گاه علی بن ابیطالب (ع) در آنجا بوده  
 و مخارج خراب کردن آن بیش از نفعی است که از خرابی عاید گردد ) منصور  
 جواب داد:

« آیت یا خالد الامیلا الی المعجمیه، دبری نهائید که صحت پیشگوئی خالد  
 راجع به رنج و زحمت و مخارج ویران کردن طاق کسری معلوم گردید. روزی خلیفه  
 باو گفت:

۱- تاریخ اجتماعی ایران از انقراض ساسانیان تا انقراض امویان تألیف استاد

( ای خالده با عقیده تو همراه شده ایم و از ویران کردن ایوان دست کشیدیم ) خالده پاسخ داد: ( یا امیر المؤمنین اکنون میگویم کاخ را ویران سازید مبادا مردم بگویند خلیفه حتی از فر و کوفتن بنائی که دیگری ساخته بود عاجز است ). خوشبختانه خلیفه باردیگر بحرف او گوش نداد زیرا خالده بی گمان از جهت حزم و احتیاط و بعلمت آنچه در گذشته خلیفه با او گفته بود این نظر را اظهار نمود و تخریب ایوان مدائن که شاهد زنده ای از عظمت دوران حکومت ساسانیان میباشد انجام نگردید. (۱)

### احتیاط بر مکیان در مورد احیاء جشن نوروز:

ابوریحان بیرونی نوشته است (۲) در زمان هارون الرشید مالکین اراضی باردیگر جمع شدند و از یحیی بن خالد برمک خواستند جشن نوروز را تقریباً دو ماه بتأخیر اندازد زیرا همانطوری که در گذشته نوشتیم رسم قدیم این بود که ایام کبیسه را حساب میکردند چون این رسم در زمان حکومت تازیان موقوف شد سال جلومیاقتاد بنحوی که قبل از رسیدن محصول جشن نوروز را میگرفتند، این امر برای زارعین ضرر داشت زیرا مالیات خود را در آن موقع میبایست پرداختند. یحیی خواست چنین کند لکن دشمنان او در این خصوص زمزمه ها کردند و گفتند یحیی طرفدار آئین زرتشتی است ، بنا بر این از انجام - درخواست زارعین ایرانی منصرف شد و موضوع چنانکه در گذشته باقی بود بماند (۳) تا اینکه در اثر فعالیت های پی گیر ملی ایرانیان دولت های طاهریان و صفاریان و سامانیان و آل زیار و آل بویه و غزنویان بر سر کار آمدند و در اثر همت رادمردان ایرانی در این دوران آئین و رسوم و آداب کهن ایرانی همانطور که در اوراق تاریخ دوران مذکور میخوانیم بمانند دوران باستان مورد عمل آشکار قرار گرفت بخصوص مسئله جشن نوروز با اصلاحاتی که در زمان سلجوقیان در آن شد تا این زمان محفوظ و پابرجا مانده است و برقراری آن نمایشگر علاقه عجیب و عمیق مردم این سرزمین با آئین نیاکان با فروجاء و استقلال ملی ایران میباشد. با ذکر مراتب فوق بنظر نگارنده کم کردن پنجره روز تعطیل عمومی جشن بزرگ ملی ایران یعنی فروردین ماه و جشن نوروز و بهار که از قدیمترین زمان تاریخی تاکنون در این کشور

۱ - رجوع به الفخری صفحه ۱۸۶-۱۸۵ و طبری جزء سوم صفحه ۳۲۰

۲ - آثار الباقیه

۳ - تاریخ ادبی ایران تالیف پرفسور ادوارد براون جلد اول ترجمه